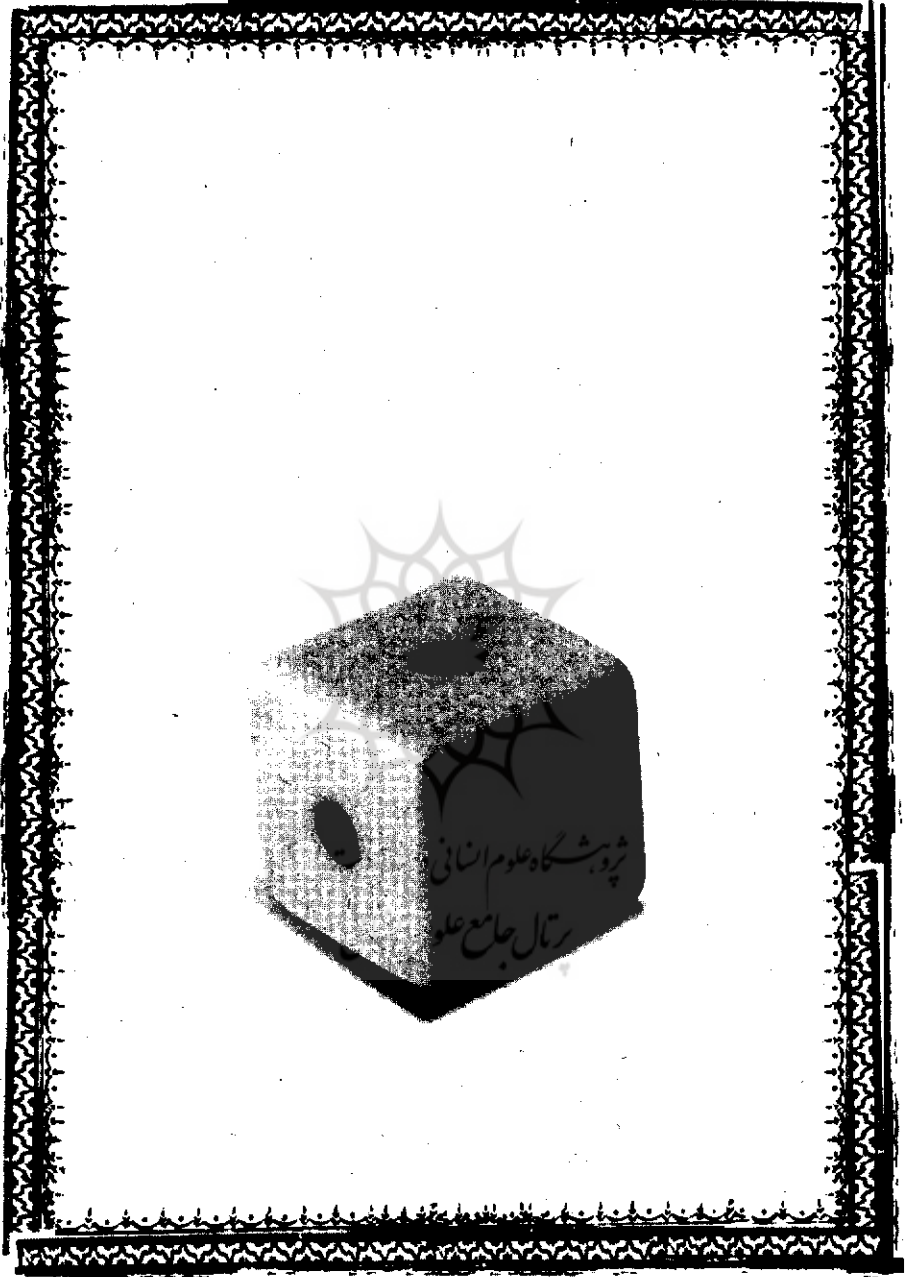


پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مجموعه



چهارخونه چهارخونه است!

هنرمویان کارگاه تقدیرنامه

درآمد

سرگرمی و داشتن لحظات مفرح از روش‌های پالایش و تصفیه روح است که هیجان‌ات و تألمات روحی را کاهش می‌دهد. صداوسیما افزون بر تمامی رسالت‌های خود که امروزه در هر خانه و زیر هر سقفی، شعبه‌ای دارد و مخاطبان آن را طیف گسترده‌ای از طبقات، افراد و اصناف، با عناوین مختلف تشکیل می‌دهند، یکی از توانمندی‌هایش فراهم آوردن بستر این پالایش روحی یا برنامه‌ریزی مستقیم برای پر کردن اوقات فراغت و تأمین صحیح نیاز به تفریح است. به همین دلیل، مقام معظم رهبری در جمع مسئولان صداوسیما چنین مطرح کرده‌اند که آرامش بخشی به ذهن مردم، بخش عمده‌اش مربوط به صداوسیماست.

از میان گزینه‌های مختلف برای انبساط خاطر، کار طنز در هر عرصه‌ای، انتخابی پرمخاطب است؛ زیرا طنز از ویژگی‌هایی برخوردار است که یکی از آنها نشانند خنده بر لب‌هاست؛ خنده‌ای که جزو نیازهای زندگی و از ضرورت‌های جامعه بانشاط است. جامعه‌شناسی، ادبیات کمیک را به این دلیل ارزشمند می‌داند که به طریقی، درمانگر است.^۱ از این روی، کارکرد اجتماعی - روان‌شناسی مفید این ژانر هنری فراهم کردن عرصه‌ای است که در آن، تنش‌های واپس‌راننده شده به گونه‌ای بی‌خطر آزاد شوند.^۲

البته دلیل اینکه این گونه شادی و تفریح، مورد توجه صاحبان ذوق و طبع قرار می‌گیرد در حقیقت طنز است که همان شوخ‌طبعی نکته‌سنجانه است، قرار دارد؛ یعنی هر چند پیامد طنز، خنده است؛ لیکن اجماعی همگانی وجود دارد که طنز یک رسالت انتقادی و پیام‌رسانی نیز دارد. از این رو، گفته شده که خنده در طنز، از نوع هر خنده‌ای نیست، بلکه خنده بر ساده‌دلی‌ها یا خنده از روی تمسخر نقطه‌ضعف‌هاست.^۳ جنس خنده آن همیشه خنده از روی شوخی نیست، بلکه گاهی

۱. ویلیام ملویز، کمیدی، تهران، نشر مرکز، ص ۳۳.

۲. سوزان هیوارد، مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی، زنگنه، نشر هزاره سوم، ۱۳۸۱.

۳. مجتبی مولایی، قاتر کمیدی، جزوه مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.

نیش‌دار است؛ زیرا در این عرصه، معمولاً رفتارها، ناهنجاری‌ها و کژی‌ها به نمایش در می‌آیند. از همین رو مسائل مطرح شده در آن، از مسائل زندگی روزمره نشأت می‌گیرد.

طنز، مطالبی مهم و جدی است که با زبان شوخی بیان می‌شود. این خنده هم انبساط خاطر می‌آورد و هم مخاطب خود را بدون واداشتن به جبهه‌گیری و ایجاد مقاومت روانی، به رفع مشکلات و واقعیات ناپسند اجتماعی، فرهنگی و... ترغیب می‌کند. بدین ترتیب، طنز تلنگری است بر اندیشه مخاطب که در پس خنده ناشی از آن، توقع رسوب، فکری نیز می‌رود.

در طنز نمایشی، داستان طنز از الگوی ساختاری متون ژانر دراماتیک پیروی می‌کند؛ یعنی داستان آن باید منطقی و دارای ساختاری محکم باشد. در طرح داستان، طرح و توطئه، گره‌افکنی، اوج و گره‌گشایی، باید مسیر منطقی طی شود و تنها استفاده از عنصر ناسازگاری و تضاد میان شخصیت‌ها، موقعیت و حادثه‌آفرینی می‌تواند در قوت طنز و نیفتادن به ورطه لودگی خلل وارد سازد. اما نکته‌ای که طنز را متمایز می‌کند، اغراق در مسائل و شخصیت‌ها و بزرگ‌تر نشان دادن واقعیات است. این اغراق‌پذیری نیز اصولی دارد؛ زیرا طنز در کنار ابعاد گوناگون آن، کاری جدی است. پس اگر غلو آن بیش از اندازه باشد، کار را ناموزون می‌سازد و از سوی مخاطب، پس زده می‌شود.

رسانه ملی در راستای اهداف و کارکردهای خود چندی است که سنت طنزهای ۹۰ شبه را در دستور کار خود قرار داده است و بدین وسیله، توانسته جمع گرم و صمیمی خانواده‌های ایرانی را گرم‌تر کند و خستگی‌های روزانه را به لبخندی شبانه بشوید.

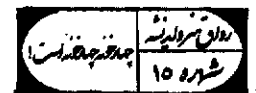
و اما بعد

امسال نیز همانند سال‌های گذشته، مجموعه طنز ۹۰ قسمتی‌ای با نام چارخونه، از شبکه سوم سیما، به کارگردانی سروش صحت، به روی آنتن رفته است.

سروش صحت را تا پیش از این، بازیگری توانا و نویسندهای خوش‌قریحه می‌دانستیم. آن هنگام که در سریال داستان یک شهر بازی کرد، ما را متوجه این نکته ساخت که او فقط برای بازی در آثار طنز ساخته نشده است و می‌تواند از پس کارهای جدی نیز برآید. حضور در فیلم‌هایی چون سراره، گاوخونی، بازنده و تقاطع و سریال‌هایی چون رسم عاشقی، تب سرد و زیرزمین، در ادامه همین رویکرد بود.

سروش صحت با بازی در نقش نخست فیلم نان، عشق و موتور ۱۰۰۰، توانایی بازیگری خویش را در آثار طنز نشان داد؛ اما پس از آن، ترجیح داد به نوشتن آثار طنز بپردازد. از میان آن آثار، می‌توان به قطار ابدی، زیر آسمان شهر، کمر بندها را ببندید، بدون شرح، باشجه مینو، پاورچین، کوچه اتفاقا، نقطه چین، شهاب‌های برره، جایزه بزرگ، باغ مظفر و من یک مستأجرم اشاره کرد.

۴. مهدی ارجمند، جایگاه طنز در رادیو و تلویزیون ما و دیگر کشورها، نشر مرکز.



اکنون باید به پیشینه ذکر شده، کارگردانی را نیز افزود. او در نخستین تجربه کارگردانی، توانست بسیاری از بینندگان تلویزیون را در شبهای متوالی، با خود همراه کند. سروش صحت در این کار، از نویسندگان خوبی بهره برده است؛ محمدرضا آریان^۵، علی رضا بندرافشان^۶، حمید برزگر^۷ و همچنین علی رضا ناظر فصیحی، بهمن متمدیان، سارا خسروآبادی و محسن چگینی^۸.

سروش صحت در مقام نویسنده یا بازیگر، با این گروه آشنایی داشته و یا آنها کارهایی مشترک نیز انجام داده است.^۹

در چارخونه، چهره‌های آشنایی چون حمید لولایی، مریم امیرجلالی، فلامک جنیدی، بهنوش بختیاری، محمد شیرینی و رضا شمیمی چه بار دیگر روی آنتن می‌آیند؛^{۱۰} شخصیت‌هایی که می‌توان گفت بعضاً دست نخورده، از مجموعه‌های طنز گذشته وام گرفته شده‌اند: دیدن دوباره بازیگران و شنیدن تکیه کلام‌ها، روحیات و رفتار شخصیت‌ها و حتی لوکیشن‌ها را در این مجموعه، اگرچه بتوان بر شکل گرفتن گروهی خاص از هنرمندان، در ژانری ویژه از طنز حمل کرد؛ ولی گردهم آمدن آنان در مجموعه چارخونه، مسئله‌ای آگاهانه است که کارگردان، از آن دفاع می‌کند و این مطلب را به دلیل تناسب و نیز تأثیرپذیری از کارهای مهران مدیری و رضا عطاران مطرح می‌کند.^{۱۱}

به هر روی، چارخونه داستان اعضای خانواده‌ای است که در واحدهای یک آپارتمان، دور هم جمع شده‌اند. شکوه، همسر و مادری با اقتدار و تدبیر، با روحیه‌ای متفاوت است که از اوج دلسوزی‌های حتی بی‌مورد گرفته تا اوج عصبانیت‌های ناخوشایند، متغیر است. منصور، همسر شکوه، مردی است که یا از واحد مسکونی‌اش بیرون انداخته می‌شود. یا از اداره استعفا می‌دهد و همواره در آرزوی اجرای طرح‌های بزرگ مرغزاری است؛ رعنا، دختر بزرگ خانواده، مهمان‌دار هواپیماست و در بهره‌هوشی و برخورد‌های غیرواقعی با موقعیت‌ها، همپای حامد، شوهر هنرمند و خواننده‌اش است که داماد سرخانه نیز هست. پرستو، دختر کوچک‌تر خانواده، دانشجویست و دارای شور، نشاط و شیطنت‌های بچه‌گانه و گه‌گاه رمانتیکی که حرکات موقرانه و کارهای عاقلانه به ندرت، از او دیده می‌شوند. فرزاد، همسر مبادی آداب پرستو در کنار پدرش، فرخ زندگی می‌کند؛ پدری که نوع پوشش و سلوکش در زندگی، به نوعی زن‌بارگی تشبیه دارد^{۱۲} و در نهایت نظیر شنبه، سرایداری حيله‌گر، باج‌گیر و البته عزیز کرده شکوه که او را همچون پسر به خارج رفته‌اش دوست می‌دارد. وی در هیئت کارگری افغانی به نمایش درآمده است.

ساختار

مجموعه با تیتراژی متناسب با نام چارخونه آغاز می‌شود؛ چهار مستطیل با تصاویر گوناگون از زندگی روزمره، با زمینه آوازی که به وسیله گریه‌های دنبال می‌شود. در همین عنوان‌بندی نخستین، می‌توان به روشنی، تأثیر رضا عطاران و شاخصه‌های خلاقانه و برجسته کارهایش را دید. بهره

۵. نویسنده سریال‌های طنز نقطه‌چین، پاورچین، شب‌های برره جایزه بزرگ ترش و تشریح و باغ مظفر.

۶. در کارنامه هنبری وی، نویسندگی متن فیلم‌های کم‌دی و غیرکم‌دی تب سرد، قطعه به خاطر تو، رکس در عیار، زیرزمین، پاورچین، نقطه‌چین، برره و باغ مظفر به چشم می‌خورد.

۷. او نیز تجربه نوشتن در مجموعه‌های طنز زیر آسمان شهر، پاورچین، نقطه‌چین، برره و باغ مظفر را دارد.

۸. او را در مقام تهیه‌کننده و سرپرست نویسندگان سبزیال چارخونه هم می‌بینیم.

۹. البته همکاری او با امان صفایی و پدرام رضایی بی‌سابقه است و می‌توان آنها را از دوستان جدید سروش صحت به شمار آورد.

۱۰. البته حضور اردلان سجاج کلاه که ایفاگر نقشی طنز شده، جالب است؛ بازیگری که پیش از این، بیشتر در نقش‌های جدی دیده می‌شد. به نظر می‌رسد ایفای نقش طنز از سوی وی، یکی از مسود خلاقیت‌هایی باشد که در عرصه بازیگری این سریال رخ داده است و البته اردلان سجاج کلاه - که در پرونده کاری، خویش، سابقه بازیگری تئاتر را نیز دارد - از عهده این امر، تا جایی که متن سریال به او اجازه داده برآمده است.

۱۱. مصاحبه با سروش صحت، روزنامه جام جم، سهشنبه، ۶ شهریور ۱۳۸۶؛ روزنامه ایران، نوشته، ۱۶ شهریور ۱۳۸۶.

۱۲. پوشیدن لباس‌هایی به رنگ قرمز و زرد لحن بیان و حرکت دست‌ها و از

بردن از تصاویر به ظاهر بی ربط با سریال^{۱۳} در عنوان بندی و آوازی نامتعارف با سیر آوازخوانی مألوف رسانه، بهترین شاهد بر این مدعاست.

مجموعه چارخونه، هر چند خاطره کارهای پیشین طنز را به یاد می آورد؛ اما در بخش میزانشن، تلاش خود را کرده تا صحنه پردازی معقول و چشم نوازی ارائه دهد؛ صحنه پردازی واقع گرایانه ای که سعی شده دکورها دارای نمادی از مشاغل ساکنان خود باشند؛ از جمله تابلوی مرغ در راهروی منصوره، بانده صوتی و ماکت هواپیما در خانه رعنا و حامد، به همراه رنگ آمیزی گرم و سنگین برای خانه محوری شکوه و منصور و رنگ های شاد برای زوج های جوان و همچنین رنگ آمیزی متنوع دیوارها در هر لوکیشن، اعم از واحدها، اداره و کافی شاپ، با ایجاد تضاد گرافیکی، تنوع تصویری خوبی در تدوین ایجاد کرده است. البته در زمینه تنوع لوکیشن ها، شاید به دلیل فرصت بیشتر در قسمت های ابتدایی، لوکیشن های خارجی، مانند پارک نیز دیده می شد که به دلیل محدودیت زمان تولید، به کوچه آپارتمان کاهش یافت.

متأسفانه تصویربرداری مجموعه چارخونه از ضعف ها و خطاهای تکرارشونده رنج می برد؛ چنان که حضور بوم صدابرداری در قالب نماها، تا پایان مجموعه دیده می شد که با توجه به روند جدی و یک طرفه بودن مجموعه، به نظر نمی رسد کارکرد خاصی برای این کار مورد نظر بوده باشد؛ چرا که حتی کاغذ دیالوگ ها نیز از گوشه قاب نمایان می شد.^{۱۴} البته این مسئله هر گاه رعایت می گردید، ضعف نورپردازی و وجود سایه های تلطیف نشده یا منابع نوری کم، دست آویزی بود که حتی اگر بوم صدابرداری پیدا نبود، سایه آن به راحتی دیده شود!^{۱۵} گذشته از مباحث تکنیکی، از جمله نکات قابل بررسی مجموعه، سبک و نوع طنزی است که قالب مجموعه بوده است؛ زیرا خود طنز نیز زیر مجموعه های گوناگونی دارد که بسته به اینکه از چه زاویه ای به طرح مسائل بپردازد، دسته بندی می شود. آنچه در چارخونه، بیشتر دیده می شود، طنز موقعیت و بعضاً طنز کلامی است که در قالب طنز خانوادگی نشانیده شده و موجب توفیق این سریال گشته است؛ چرا که طنز خانوادگی از جذابیت و تنوع خاص خود برخوردار است. خانواده به مثابه اجتماعی کوچک، کشش خوبی برای ناسادپردازی و طرح مسائل اجتماعی، فرهنگی و... در قالب موضوعات گوناگون دارد و از طرفی، به دلیل امکان طرح احساس و عواطف در روابط، بستر خوبی برای ذوق عاطفی مخاطب ایرانی است.

طنز موقعیت، طنزی است که خود داستان و ماجراهایش خنده آور است، نه شخصیت ها؛ هر چند خود شخصیت ها نیز جذاب باشند و موقعیت، هنگامی خلق می شود که شخصیت داستان در موقعیتی باورپذیر، جذاب و در عین حال، بحرانی گرفتار شود.^{۱۶} از این رو، در این سبک بهره گیری از موقعیت های خنده دار، تدبیر آنها و حادثه آفرینی ای که شخصیت را در شرایط متضاد قرار دهد، سبب قوت داستان می شود.

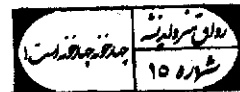
همه مهم تر داستان ازدواج های متعدد وی و نگاه خاصی که به زنان تازه وارد در بخش های گوناگون سریال دارد، این ادعا را تأیید می کند.

۱۳. از یاد نسیم نخستین مبار، رضا عطاران بود که در سریال هایش، عنوان بندی را با تصاویری از حیات وحش آغاز کرد که هیچ سنگینی با محتوای سریال نداشتند. این ویژگی را می توان در این سریال نیز دید.

۱۴. مانند نمای پاک کردن آلباها.

۱۵. متأسفانه ضمه های ناشی از بی توجهی به نکات بدیهی و کوچک تصویربرداری و تنظیم صحنه، کار را تا حدی پیش برده که حتی تکان خوردن دیوار کاتب لوکیشن ها، مانند لوکیشن اداره، جدی گرفته نمی شوند.

۱۶. مهدی ابرجمند، جایگاه طنز در رادیو و تلویزیون ما و دیگر کشورها، نشر مرکز تحقیقات، مطالعات و منسجش برنامه ای صداوسیما، جزوه تحقیقی.



چارخونه برای ایجاد این موقعیت‌ها، از تضاد میان شخصیت‌ها یا جابه‌جایی نقش‌ها بهره می‌برد و در بُعد طنز غیرکلامی، مکرراً و به صورت یکنواخت و کش‌دار، با بازی گرفتن از اشیاء، موقعیت‌های طنز ایجاد می‌کند؛ مانند دست به دست کردن مرتب ظروف بر سر میز غذاخوری یا پرتاب لیوان یا سیب به بالا، برای بیان تمثیل...

بنابراین، جمع طنز خانوادگی و موقعیت، هر دو برای یکدیگر، شرایطی فراهم می‌کنند که داستان با موضوعات خانوادگی و با طنزی قابل قبول پیش برود. به لحاظ همین زمینه‌های خوب طنز، برای ایجاد شرایط قابل دست‌کاری، غلو و شیرین‌کاری است که سروش صحت به ایجاد موقعیت‌های طنز و بهره‌برداری از آن پرداخته است؛ دعوای شکوه با منصور بر سر فروغ، عکس‌العمل‌های آن دو هنگام قهر، برخورد‌های پرستو با فرزند پیش از ازدواج، خیال‌پردازی‌های حامد و رعنا بر سر موضوعات خیالی، چون چینن میوه از درخت سیب فرضی، تصور بچه خیالی و مواظبت از آن، داستان سوء تفاهم خواستگاری با موضوع بورس شدن پرستو و تقدیر از رعنا^{۱۷}، واسطه‌گری‌های شنبه برای انتقال پیام زوج‌های قهر کرده و...

اگرچه بهره بردن از جابه‌جایی نقش‌های جنسیتی چون نان‌آوری زن، خلقیات مردگونه شکوه، صفات بچه‌گانه مردان و سر به هوایی و نیاز مردان سریال به حمایت زنان، تا اندازه‌ای در شکل‌گیری آثار طنز گذشته نیز دخالت داشته‌اند؛ اما آنچه در این مجموعه، با آن رو به رو هستیم، اغراق بیش از اندازه‌ای است که با توجه به اخلاق شکوه و داد و فریادها و التماس‌های مکرر منصور به او جهت دریافت پول و... موجب آسیب دیدن مجموعه و نوعی پس‌زدگی از سوی ذوق سلیم مخاطب شده است. این مسئله می‌تواند انعکاسی از دیدگاه کارگردان در مورد زن‌سالاری در برخی موارد باشد؛^{۱۸} عناصری چون گرفتن نماهای تک نفره از شکوه و نمای چند نفره از منصور در یک سکانس، قرار دادن قاب بزرگ و تکی شکوه بالای دیگر قاب‌ها و توان و تدبیر موقعیت‌های بحرانی از سوی شکوه، در کنار نشان دادن زبونی مردان در برابر زنان، به ویژه منصور و شکست‌های پی در پی آنها، هر چند ناخواسته، به نحوی به نظریه برتری فضایل زنانه در اندیشه فمینیسم رادیکال، پهلو می‌زند.

بیکاری حامد و نفقه‌خوری از زنان، استغفاهای پی در پی منصور در کنار شغل رعنا و منبع مالی بی‌انتهای شکوه، دو خط پررنگ و موازی هستند که در طول داستان، به جلو می‌روند و به ذوق بیننده آسیب می‌زنند. ارائه الگویی تازه از زندگی زنانویی، یعنی زندگی زیر دو سقف، دعوای مکرر شکوه و منصور و اعمال قدرت و خشونت در عین مهربانی که روابط مخدوشی از ارتباطات خانوادگی را نشان می‌دهد، از مواردی هستند که کلاً دست‌مایه موقعیت‌های طنز در چارخونه شده است که البته در قسمت‌های پایانی اصلاح می‌شوند. به این ترتیب، نوع شخصیت‌پردازی‌های داستان به گونه‌ای است که مردان در فرودست زنان دیده می‌شوند.

۱۷. هر چند زمینه‌چینی اصل قصه از منظر خوبی برخوردار نبود؛ مانند به خانه آمدن مسولان امر جهت تقدیر یا اعلام بوریسه.
۱۸. روزنامه جام جم، سه شنبه، ۶ شهریور ۱۳۸۶.

همان گونه که بیان شد، کاراکترهای سریال و ویژگی‌های آنها - که گویی بخشی ثابت از شخصیت حرفه‌ای بازیگران نیز شده است - در این مجموعه، تکراری است؛ اما به هر روی، گزینش بازیگران برای نقش‌ها را می‌توان گزینشی صحیح و به دور از ریسک دانست و اشکال را در اصل تکراری بودن و عدم خلاقیت در شخصیت‌پردازی آنها دانست.

شکوه با جوش آوردن‌های معروفش، منصور، مردی بی‌کفایت در هر زمینه که حرف چندانی برای گفتن و اظهار وجود قوی ندارد و حامد، تیپ جدیدی که از سوی رضا شفیع‌ی جم ارائه می‌شود - که البته مخلوطی از خوانندگی *باشاد* و لهجه‌دار بودن *گل مراد* است - و البته ترانه‌های نه چندان جذاب او و خیال‌پردازی‌هایش، موقعیت‌های خوبی برای مجموعه ایجاد کرد. با این وجود، به نظر می‌رسد پتانسیل شخصیت کلیشه‌ای وی می‌توانست بیش از اینها بروز کند؛ چرا که گاهی در اندازه‌های شخصیتی فرعی، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و حتی در زمینه آوازخوانی نیز آواز شنبه از او نمود بیشتری پیدا می‌کند.^{۱۹}

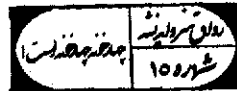
شخصیت رعنا نیز با ارائه بازی سطحی و بدون ویژگی خاص و شخصیت‌پردازی سردستی، در اندازه‌های تکمیل نقش حامد دیده می‌شود. پرستو اما در تضاد با روحیات رعنا، به دلیل هیاهویی که از بازآمدهای شخصیت داستانی اوست، بیشتر به چشم می‌آید و در زمان رکود داستان و بازیگری، با حرکات بچه‌گانه خود، تنوعی کوتاه پدید می‌آورد؛ هر چند میزان و نوع جنب و جوش حرکتی وی به مثابه یک زن، در خارج از بحث داستانی قابل تأمل است. حضور فرخ - که بیشتر شخصیتی حاشیه‌ای است و در این مجموعه، خنثی به نظر می‌رسد - را نیز می‌توان مورد پرسش قرار داد که چنین شخصیتی لابلایی با تیپ چالمیدانی و لمپن‌وار که کار خاصی در کلیت مجموعه انجام نمی‌دهد، چرا به عنوان شخصیتی دایمی، در مجموعه حضور یافته است؟^{۲۰} به نظر می‌رسد عدم پرداخت قوی شخصیت‌ها و ناهمگونی در بازی‌ها، ناشی از تعدد نویسندگان متن‌ها باشد که در شکل‌گیری شخصیتی یک‌پارچه، خلل وارد کرده است.

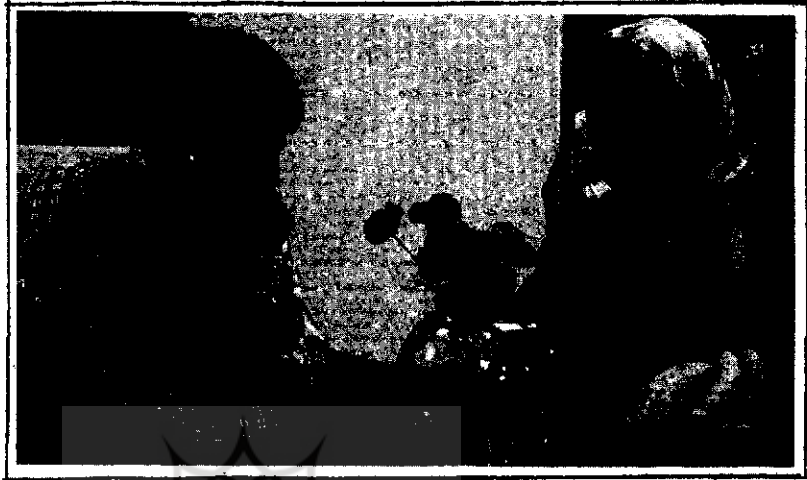
اما نظیر شنبه، کارگر به اصطلاح افغانی را شاید بتوان از خوش‌پرداخت‌ترین شخصیت‌ها دانست که جان تازه‌ای به مجموعه بخشید و به دلیل روحیهٔ دسیسه‌چینی و دورویی او، کمی به طرح، توپله و تعلیق داستان‌ها افزوده شد و مجموعه از افت و ایجاد نوعی رخوت نجات یافت. شنبه در عین اینکه دیر آمد؛ اما به زودی توانست در میان مخاطبان و نیز در خانوادهٔ منصور، جایگاه خود را بیابد و به نحوی فعالانه، در قضایای شرکت کند که این ناشی از ویژگی شخصیت آب زیرکاه و دودوزه‌باز اوست که توانست بر شکوه تأثیر بگذارد و به این همه، بیفزاید لهجه و اجرای موفق ترانه‌های لهجه‌دار را.

در مورد لوکیشن اداره نیز باید گفت، به دلیل عدم ارتباط ارگانیکی که در مجموعه، میان خانه و اداره دیده می‌شود، موجب شده شخصیت‌های راكد آن نیز به همین دلیل، در حاشیه مطرح

۱۹. برای نمونه، شخصیت حامد گوزن که در یکی دو قسمت سریال، به تناسب طرح سرکوب لراذل و لوپانش توسط نیروی انتظامی شکل گرفت، توانست تا اندازه‌هایی، قدرت رضا شفیع‌ی جم را در تیپ‌سازی نمایش دهد؛ اگر چه قرار گرفتن داستان حامد گوزن بر بستری سست از نظر پرداخت دراماتی که این موقعیت را به هنر داد.

۲۰. هر چند این مسئله در برابر آوردن کارمند جدید، آقای خاکسوت به اداره آن هم بدون توجه با کاربرد بی‌برای پیش بردن داستان در آن اتفاق تنگ اداره می‌تواند مسکوت باقی بماند.





شوند و فقط نقطه شروع یک وضعیت برای منصور باشند؛ در حالی که قوام و استخوان‌بندی خوبی ندارند و شاید مناسب باشد از تعبیر سنجاق شدن اداره به داستان استفاده کنیم. در حقیقت، اداره به محلی برای جریان کش‌دار استعفا‌های منصور، تغییر مدیریت و ارباب رجوع بخت‌برگشته بدل می‌شود که به تدریج، جزو وسایل صحنه اداره شده است. البته در بخش‌های پایانی مجموعه، اداره کارکرد فعالانه‌تری پیدا می‌کند.

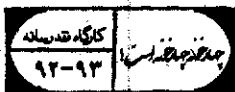
محتوا

با بررسی مضامین مطرح شده در چارخونه، دیده می‌شود که بیشتر مضامین آن خانوادگی است که این امر می‌تواند اقتضای لوکیشن اصلی سریال که آپارتمان است، باشد؛ زیرا در این حال، باید داستان از روابط بین افراد شکل بگیرد؛ اگر نه همانند لوکیشن اداره، به حاشیه می‌رود. البته، چنان که خود آقای سروش صحت می‌گوید، او سلیق و طیف‌های گوناگون مخاطبان خود را در نظر گرفته و به موضوعات اجتماعی و به ندرت سیاسی و فرهنگی هم در سطح عام و هم در سطح خاص پرداخته است.

جابه‌جایی موقعیت‌ها، نقش‌ها و انتظارات جنسیتی و روحیات جنسیتی زنانه - مردانه که الگوی طنز صحت قرار گرفته، وی را در پرداختن به برخی معضلات، کژی‌ها و موضوعات، یاری رسانده است تا بتواند مسائل را از زاویه‌ای دیگر بنگرد؛ مانند داستان عمل زیبایی مردان و خاله‌زنک‌بازی مردان، هنگامی که دور هم جمع می‌شوند.^{۲۱}

اما مسئله قابل طرح این است که با وجود روزانه بودن کار و وجود موضوعات جدید و به روز

۲۱. اشاره به قسمتی است که منصور و شبنم نیز یه‌ی‌هاگ می‌کنند و درباره همسایه‌ها صحبت می‌کنند.



که می‌توانند قابل طرح به شکل طنز و کنایه باشند، نویسندگان و کارگردان سراغ بسیاری از آن موضوعات نرفته و آنها را فراموش کرده‌اند. به لحاظ پرداخت داستانی نیز مجموعه با نوسان‌های زیادی همراه است؛ چنان‌که گاهی مانند داستان لیگ برتر، جزئیات را از انواع حاشیه‌های فوتبالی، کارچاق‌کنی‌ها، مسائل تشکیل تیم، فراق‌کنی‌های مدیران، پیامدهای آن و... به خوبی لحاظ می‌کنند و گاه موضوعات تکراری، قدیمی و بدون جذابیت خاص داستانی، چون کلاهبرداری و طلبکاری را به صورت سطحی و دم دستی بیان می‌کنند.

البته به اقتضای کارهای شبانه، نمی‌توان و نباید توقع داستان‌ها و پرداخت‌های قوی و فاخر را داشت؛ زیرا بازه زمانی کار تولید و پخش، بسیار کوتاه است و این گونه ضعف‌های فیلم‌نامه‌نویسی و تکرار موضوع، ناخواسته دامن‌گیر این کارها می‌شود؛ ولی گروه موفق و کارآزموده نویسندگان و توانایی‌های خود سرورش صحت در این ژانر، این پرسش را پدید می‌آورد که چرا تنها برخی موضوعات مطرح می‌شوند و روی آنها کار قوی صورت می‌گیرد و برخی دیگر دست‌مایه موقعیت‌های طنز می‌شوند و منطق، مقدمه و مؤخره داستان نادیده گرفته می‌شوند؟ چرا که غلوه‌های زیادی و بی‌علت و برخورد‌ها و عکس‌العمل‌های غیرمنطقی و باورناپذیر یا عدم طی مسیر داستانی لازم و رسیدن به پایان خوش صرف و گاه بلاهت زیاد در روند داستانی، به دلیل ایجاد موقعیت کمدیک، توفیق‌های نسبی مجموعه و محترم بودن وقت و شخصیت بیننده را زیر سؤال می‌برد. شاید اگر سازندگان برنامه زمانی را برای هدایت متن‌ها صرف می‌کردند، به خوبی می‌توانستند این کاستی‌ها را تا اندازه چشم‌گیری کاهش دهند.

به هر روی، داستان‌های خانوادگی موضوعات خاص خود، چون سوء تفاهم‌های زن نسبت به شوهر، تبعیض میان بچه‌ها، ازدواج، بی‌توجهی به مادر، بیماری و فوت اعضای خانواده، همکاری در کارها و... را در بر می‌گیرد. در این مجموعه، گاه تلاش می‌شود به شکل‌های گوناگون، موضوعات مهم خانوادگی و اجتماعی، مانند لزوم توجه به مادر، وابستگی غیرمعمول و ناپسند فرزندان در تأمین نیازهای زندگی خود به والدین، روابط ناصحیح پیش از ازدواج و... بیان شوند که



در جای خویش نیکوست؛ گرچه در همین موضوعات خانوادگی، طنز چارخونه به سطحی نازل از روابط و احترامات میان افراد و سوء تفاهم‌های مکرر در می‌غلطد که خود از نقطه‌ضعف‌های بزرگ مجموعه است. گویی این مجموعه مسکونی، هیچ‌گاه از سوء تفاهم و ناهنجاری خالی نیست و همه در حال درگیری با یکدیگر هستند.^{۲۲}

در موضوعات اجتماعی مرتبط با اداره، مطرح کردن ضعف‌های مدیریتی و سیاست‌بازی‌ها از نکات مورد توجه است که بیشتر از زبان فرزند شنیده می‌شود و گویا فرزند جز برای یادآوری گاه به گاه این مطلب که ریاست‌های مدیریتی رابطه‌مند است و مدیریت‌ها تخصصی نیستند و مدیران از ترس برکناری یا کار نمی‌کنند یا نمی‌توانند کار کنند، مسئولیتی ندارد. فرزند نمادی از مدیریت مطرح در جامعه روز است که در آن، بر تخصص و استفاده از تجربه‌ها تأکید می‌شود. روی هوا نشان دادن اهداف بلندمدت مدیریتی، بی‌فایده بودن بازرسی‌ها و بوروکراسی ادارات و عدم ثبات مدیریتی از دیگر مسائلی است که در این بخش مطرح می‌شوند.

در زمینه موضوعات اجتماعی که به نظر می‌رسد توفیق مجموعه در آنها بیشتر است، قسمت لیگ برتر را می‌توان نام برد که مورد توجه مخاطب قرار گرفت و همین نشان می‌دهد احاطه نویسندگان مجموعه بر موضوعات، تا چه اندازه می‌تواند در قوت کار مؤثر باشد.^{۲۳} در حالی که داستان گروه موسیقی و بحث‌های فرهنگی درباره آن، هر چند چندین بار مطرح می‌شود؛ اما هر بار، به صورت ناقص و پراکنده، کارها می‌گردد.

پرداختن به مسائل سیاسی، آن هم به صورت نمادین در حوزه خانواده، همواره دقت بیشتری نسبت به دیگر کارها می‌طلبد؛ به ویژه در کارهایی که سعی می‌شود از این حیثه‌ها، تا اندازه مقدور پرهیز شود. از این رو، مجموعه طنز چارخونه، جز در چند داستان معدود، خود را درگیر این مسائل نمی‌کند و می‌کوشد کاری آرام و بدون حساسیت‌زایی ارائه دهد؛ ولی از جمله کارهای مجموعه در این زمینه، بخش‌های تجاوز به خانه، گزینش مدیر ساختمان و غنی‌سازی دان مرغ را می‌توان نام برد. در قسمت غارتگران، دیالوگ‌های واضحی در بطن کار به کار می‌رود؛ مانند

۲۲. کافی است این نوع پرداخت موضوعات را با مجموعه‌هایی چون زیر آسمان شهر یا بدون شرح مقایسه کنید که در بیشتر بخش‌هایی آنها تلاش شد یا دست‌مایه قرار دادن موضوعات روزمره و قرار دادن افراد در موقعیت‌های گوناگون، به بیان داستان خود بپردازند و تا اندازه‌ای، می‌توان مدعی شد فضای آن مجموعه‌ها خیلی از درگیری‌ها، توطئه‌چینی‌ها و سوء تفاهم‌های رایج در مجموعه چارخونه بود و شاید یکی از دلایل ماندگاری و توفیق بیشتر آن دو سریال، همین نگاه پاک سازندگانشان بوده است.

۲۳. از یاد نبریم در همه مجموعه‌های طنز نود شصتی، پرداختن به لیگ برتر یا برنامه‌ها و بیان مشکلات یا ضعف‌های این نو، همواره برای بیننده جالب بوده است؛ به گونه‌ای که شاید بتوان گلچینی از نگاه هر سازنده نود شصتی به فوتبال ایرانی و برنامه نبود را از دل این مجموعه‌های شایسته بیرون کشید. پس بیهوده نخواهد بود اگر مدعی شویم در نفس‌نفس زدن هر مجموعه طنز، پرداختن به فوتبال یک برگ برنده است که می‌تواند برنامه را چند شصت سرپا نگاه دارد با این همه، در قیاس با دیگر مجموعه‌های نود شصتی، پرداختن مجموعه طنز چارخونه به فوتبال، یکی از ضعیف‌ترین پرداخت‌ها بوده است؛

دیالوگ فرزاد که به بیان زور، هیبت و توان متجاوزان اشاره می‌کند و اینکه الان وقت توجه به واقعیت است و کار منطقی روحیه دادن نیست، بلکه باید در برابر ایشان تسلیم شد. این نوع دیالوگ، کلام روشنفکران غرب‌زده و جناح‌های مرعوب را به ذهن متبادر می‌کند و فیلم در ادامه روند داستان، ایجاد تفرقه، اتحاد و پیروزی بر متجاوزان را نشان می‌دهد. در داستان انتخابات، چرخش آرا و افکار جمعی در لحظات آخر و بر خلاف انتظار و دلایل کنار رفتن به نفع کاندیدای قوی و... مطرح می‌شود. متأسفانه در زمینه نمادپردازی، به ویژه در داستان غارتگران، ضعف‌هایی دیده می‌شود؛ مانند بی‌توجهی بودن گزینش خانه منصور برای تجاوز متجاوزان که باورپذیری و در نتیجه، مؤثر شدن داستان را - که هدف غایی سازندگان برنامه است - خدشه‌دار می‌سازد.

اما غنی‌سازی دان مرغ از جمله نمونه‌هایی است که ای کاش ویژگی به روز بودن و اهمیت موضوع آن در دیگر بخش‌ها نیز لحاظ می‌شد. غنی‌سازی دان مرغ - که اشاره به غنی‌سازی هسته‌ای بود - این بار با نمایش عکس‌العمل‌های داخلی، چون قسمت غارتگران و عکس‌العمل‌های فرزاد، محافظه‌کاری مدیران گذشته - فرزاد - را در کنار شجاعت و ساختارشکنی مدیران جدید آورده و بهانه‌گیری مسئولان کمیته‌های بررسی تخصصی و نتیجه موفقیت‌آمیز بودن اتحاد و نه‌رسانیدن از سر و صداهای رقیب را به خوبی نمایش می‌دهد و حتی جزئیاتی چون گران شدن مرغ که کنایه از گران شدن نفت است نیز مطرح می‌شود. به این ترتیب، این بخش را می‌توان از کارهای موفق سروش صحت در این مجموعه نام برد.^{۳۳}

نهایت آنگه

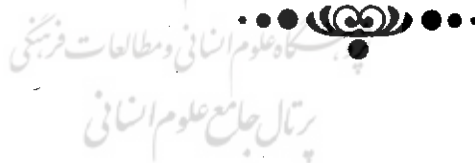
هنوز پرونده این مجموعه طنز باز است؛ مجموعه‌ای که با همه قوت‌ها و ضعف‌هایش، توانسته استقبال ۷۰-۶۰ درصدی مخاطبان را در پی داشته باشد؛ آن هم با همین قالب کلیشه‌ای و تکراری خود که حتی نوآوری‌هایش را با تکرار و کم‌دقتی، از طراوت اولیه انداخته است. البته این گونه کارها در نظر آقای سروش صحت، به دلیل تربیت خاص مخاطب و شرطی شدن ایشان به چنین مجموعه‌هایی، چندان جای پرسش ندارد؛ اما در راستای بهبود کیفیت، یادآور می‌شویم که

پرداختی تکراری و خالی از خلاقیت و ظرافت‌های لازم.
۳۳. گرچه این توفیق در نسبت با خود سرریال است؛ در حالی که در نمونه دیگری که در سرریال باورچین شاهد آن بودیم - در قسمتی که خاندان نظام‌دو برره - با خرید لوزان نخود، از راه ایجاد اختلاف در بین پسران داوود و فرهاد، آنان را تا آستانه یک ورشکستگی اقتصادی پیش بردند که در نهایت، اتحاد ایشان توسط دشمن مشترک را خنثی ساخت. در آن داستان، ملالت طنز و پرداخت کم‌رنگ و غیراشکار سیاسی در لایه‌های داستان، به هیچ وجه قابل مقایسه با پرداخت ضعیف طنز چارخونه نیست.

مخاطب در شرایطی است که قدرت انتخابی جز دین این معدود کارها ندارد و معمولاً بدون تحلیل و ارزش‌گذاری و تنها به جهت سرگرمی، به این گونه کارها روی می‌آورد و به همین دلیل، شاید نوعی رضایت کاذب نیز داشته باشد؛ ولی به هر روی، هر ذوق سلیمی از بهبود و کار قوی‌تر خشنودتر است.

توان بالای قدرت مدیریت فرهنگی رسانه‌های چون سیما و بازشناسی عرصه پرمخاطب طنز می‌طلبد که دست‌اندرکاران بکوشند از ساخت آثار شتاب‌زده بهره‌یزند و توجه کنند که طنز به عنوان مقوله‌های جدی، نیازمند نگرشی تازه است تا به ورطه لودگی و غفلت‌زایی نیفتد یا اغراق‌های بیش از اندازه در آن، سبب تحریف واقعیات یا آسیب به آن نگردد؛ چرا که طنز و خنده ناشی از آن، باید دامی باشد برای شکار نشاط و بالا بردن ظرفیت روانی و ذهنی که با مخلوط شدن با عنصر تصویر، می‌تواند حتی در کارهای نه چندان عمیق نیز از سرگرمی بودن صرف و تهی بودن از محتوا به دور باشد و کارکرد مثبت آموزشی داشته باشد.

به هر روی، در مجموعه مورد بحث، این نکته را فراموش نمی‌کنیم که چارخونه، چهارخانه بیشتر نیست و توقعات بالاتر را باید در کارهای دیگری جست‌وجو کرد.



به کوشش :
طاهره کنلی
فاطمه بهبهانی
فاطمه سعیدی
فاطمه جوادی

